

گزارش

«شرق» از تنش هند و پاکستان و پیامدهای آن
برای امنیت ایران و ژئوپلیتیک منطقه گزارش می‌دهد

مذاکرات در غرب، تنش در شرق

مالک مصدق: درحالی‌که تهران خود را برای مذاکرات حساس با اروپا و دور چهارم گفت‌وگوها با ایالات متحده در رم آماده می‌کند، همسایگان شرقی ایران در آستانه تنش بی‌سابقه قرار گرفته‌اند. حمله تروریستی ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ در پهلکام کشمیر که به کشته‌شدن ۲۶ گردشگر منجر شد، روابط هند و پاکستان را به نقطه‌ای بحرانی رسانده است. این تنش، با تبادل اتهامات، اقدامات دیپلماتیک متقابل و هشدارهای نظامی، نتهت‌نا ثبت شبه‌قاره را تهدید می‌کند. بلکه امنیت مرزهای شرقی ایران و ژئوپلیتیک پیرامونی آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ایران، به دلیل پیوندهای تاریخی و موقعیت استراتژیک خود، ناگزیر از انبای نقش میانجیگرانه و تلاش برای مدیریت بحران است. حمله تروریستی ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ در منطقه توریستی پهلکام کشمیر که توسط گروه «جبهه مقاومت» (وابسته به لشکر طیبه) انجام شد، بدترین حمله به غیرنظامیان در کشمیر از سال ۲۰۰۸ بود. این حمله که ۲۶ کشته و بیش از ۳۰ زخمی برجای گذاشت، واکنش تند هند را برانگیخت. نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، با اعطای «آزادی عملیاتی کامل» به نیروهای مسلح و متهم‌کردن پاکستان به حمایت از تروریسم، اقدامات دیپلماتیک شدیدی از جمله تعلیق معاهده آب ایندوس (۱۹۶۰)، اخراج دیپلمات‌های پاکستانی و بستن مرزهای زمینی را اعمال کرد. در مقابل، پاکستان هرگونه دخالت را رد کرد و خواستار تحقیقات بی‌طرفانه شد. عطاالله طرار، وزیر اطلاعات پاکستان، در ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ هشدار داد که «اطلاع‌موفق» از حمله نظامی قریب‌الوقوع هند ظرف ۲۴ تا ۳۶ ساعت خبر می‌دهد و هرگونه تجاوز را با «پاسخ قاطع» مواجه خواهد کرد. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، نیز از «حمله قریب‌الوقوع» هند سخن گفت و اعلام کرد ارتش در حالت آمادهباش کامل است، هرچند استفاده از سلاح هسته‌ای فقط در صورت «تهدید مستقیم به موجودیت» کشور در نظر گرفته خواهد شد. این تبادل تهدیدات، همراه با درگیری‌های محدود، خطر یک رویارویی نظامی تمام‌عیار بین دو قدرت هسته‌ای را افزایش داده است.

تأثیر بر امنیت مرزهای شرقی ایران: یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع، آن است که تنش‌های هند و پاکستان پیامدهای مستقیمی برای امنیت مرزهای شرقی ایران به‌ویژه در استان سیستان‌بلوچستان دارد. این منطقه که با پاکستان هم‌مرز است، به دلیل فعالیت جیش‌العدل و قاچاق مواد مخدر، از نظر امنیتی شکننده است؛ بنابراین، در صورت تشدید درگیری بین هند و پاکستان، بی‌ثباتی در بلوچستان پاکستان می‌تواند به سبب ریزش نامی به ایران منجر شود. به گزارش الجزیره، بسته‌شدن مرز «واکه» و محدودیت‌های تجاری پاکستان با هند، اقتصاد مرزی را تحت فشار قرار داده و می‌تواند فعالیت‌های غیرقانونی در مرز ایران را افزایش دهد. علاوه بر این، هرگونه درگیری نظامی می‌تواند موج پناه‌جویان از بلوچستان پاکستان به ایران را ایجاد کند که بار اقتصادی و امنیتی سنگینی بر تهران تحمیل خواهد کرد. به گفته بازرگانان ایرانی، تجارت مرزی ایران با پاکستان در سال ۲۰۲۴ حدود ۲.۵ میلیارد دلار بود و هرگونه اختلال در این تجارت، می‌تواند اقتصاد مناطق مرزی را تضعیف کند. همچنین، تشدید تنش‌ها ممکن است گروه‌های شبه‌نظامی را به بهره‌برداری از هرج‌ومرج منطقه‌ای ترغیب کند؛ امری که امنیت داخلی ایران را تهدید خواهد کرد.

پیامدهای ژئوپلیتیکی برای منطقه: در پیوست نکات یادشده، باید ادعاغ ان کرد تصاعد بحران بین هند و پاکستان فراتر از شبه‌قاره، ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنوب آسیا، به دلیل حضور دو قدرت منطقه‌ای و رقابت‌های تاریخی، یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان است. به گفته مؤسسه چتم‌هاوس، این بحران می‌تواند همکاری منطقه‌ای در چارچوب سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (سارک) را که از سال ۲۰۱۴ متوقف شده است، بیش از پیش تضعیف کند. برای ایران، این تنش‌ها، چالش‌هایی در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای ایجاد می‌کند. چین، متحد نزدیک پاکستان، خواستار خویشتن‌داری شده، اما حمایت پکن از اسلام‌آباد می‌تواند روابط ایران با هند را پیچیده کند. هند، به عنوان شریک تجاری مهم ایران (با تجارت دو میلیارد دلاری در ۲۰۲۴)، در پروژه‌هایی مانند بندر چابهار نقش کلیدی دارد. هرگونه درگیری می‌تواند پیشرفت این پروژه را که برای دسترسی ایران به آسیای مرکزی حیاتی است، مختل کند. علاوه بر این، تشدید تنش‌ها ممکن است توجه قدرت‌های جهانی را از مذاکرات هسته‌ای ایران منحرف کند. ایالات متحده که روابط نزدیک‌تری با هند دارد، از هند حمایت کرده، اما خواستار راه‌حل مسئولانه شده است. این وضعیت می‌تواند مذاکرات رم را تحت‌الشعاع قرار دهد و موقعیت ایران را در دیپلماسی جهانی تضعیف کند. ایران، با توجه به روابط تاریخی و فرهنگی با هند و پاکستان، در موقعیت منحصر‌به‌فردی برای میانجیگری قرار دارد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، جمعه گذشته (۲۵ آوریل ۲۰۲۵) اعلام کرد تهران آماده استفاده از «مساعی جمیه» برای کاهش تنش‌ها در اسلام‌آباد و دهل‌نو است. این پیشنهاد توییت‌ری عراقچی با استقبال ضمنی سازمان ملل مواجه شد که آنتونیو گوتروش، دبیرکل آن، از تلاش‌های پاکستان برای صلح قدردانی کرد و خواستار اجتناب از تشدید تنش شد. گفتنی است سابقه ایران در میانجیگری، مانند نقش آفرینی در بحران قریه‌باغ، نشان‌دهنده ظرفیت دیپلماتیک تهران است. ایران می‌تواند از روابط خود با چین، ترکیه و کشورهای خلیج فارس (که همگی خواستار کاهش تنش شده‌اند)، برای ایجاد یک ائتلاف دیپلماتیک استفاده کند. به گزارش الحدث، عربستان سعودی و عراق نیز از گفت‌وگوهای مستقیم بین هند و پاکستان حمایت کرده‌اند که می‌تواند بستری برای ابتکارات ایران فراهم کند. بااین‌حال، میانجیگری ایران با چالش‌هایی مواجه است. روابط تهران با هند به دلیل تحریم‌ها و اختلاف‌ها بر سر چابهار شکننده بوده و نزدیکی ایران به پاکستان ممکن است دهل‌نو را محطت کند. همچنین تهران به دلیل تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای با آمریکا، اروپا و آژانس، ممکن است تمرکز لازم و منابع دیپلماتیک کافی برای میانجیگری بین دو قدرت اتمی را در اختیار نداشته باشد. با وجود این، میانجیگری موفق می‌تواند جایگاه ایران را به عنوان بازیگری مسئول در منطقه تقویت کند. ضمن آنکه برای کنترل آثار و تبعات جدی و فوری بحران جاری بر امنیت کشور، می‌بایست ایران ورود جدی به این مناقشه داشته باشد. احتمال درگیری تمام‌عیار بین هند و پاکستان، با توجه به بازاریاندگی هسته‌ای و فشارهای بین‌المللی، پایین است، اما خطر درگیری‌های محدود در خط کنترل و بی‌ثباتی منطقه‌ای جدی است. همان‌طور که عنوان شد، برای تهران مدیریت این بحران برای حفظ امنیت مرزهای شرقی و منافع ژئوپلیتیکی حیاتی است. بنابراین تمرکز روی سه مسیر موازی و هم‌زمان برای ایران اجتناب‌ناپذیر است. نخستین موضوع به تقویت دیپلماسی منطقه‌ای بازمی‌گردد که دراین‌باره ایران باید با همکاری چین، ترکیه و سازمان ملل، مذاکرات چندجانبه‌ای را برای کاهش تنش‌ها تسهیل کند. مقوله دوم ناظر بر حفظ توازن در روابط است. به این معنا که ایران باید روابط خود با هند و پاکستان را متعادل کند دارد تا از خدشه‌دارشدن همکاری‌های اقتصادی، به‌ویژه در چابهار، جلوگیری کند. در مبحث سوم که بر دیپلماسی عمومی تأکید دارد، باید تهران استفاده از پیوندهای فرهنگی و تاریخی برای ترویج گفت‌وگو بین دهل‌نو و اسلام‌آباد را کلید بزند. گفتنی است مسیر دوم و سوم به عنوان هدف‌گذاری‌های میان‌مدت قابل تحقق هستند و با توجه به فوریت میانجیگری باید روی راهکار نخست، ذیل استحقاق از ظرفیت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای جلوگیری از تنش بین هند و پاکستان متمرکز شد. به هر حال تنش‌های ناشی از حمله پهلکام، روابط هند و پاکستان را به آستانه بحرانی بی‌سابقه کشانده است. این بحران، با تأثیرات مستقیم بر امنیت مرزهای شرقی ایران و ژئوپلیتیک منطقه، تهران را ناگزیر از انبای نقش فعال در مدیریت تنش‌ها کرده است. ایران، با تکیه بر روابط تاریخی و دیپلماسی هوشمندانه، می‌تواند به کاهش تنش‌ها کمک کند و هم‌زمان منافع استراتژیک خود را حفظ کند. موفقیت در این میانجیگری نتهت‌نا ثبت منطقه‌ای را تقویت می‌کند، بلکه جایگاه ایران را به عنوان بازیگری مسئول در نظام بین‌الملل ارتقا خواهد داد. در این برهه حساس، خویشتن‌داری هند و پاکستان و حمایت جامعه جهانی از ابتکارات دیپلماتیک، کلید جلوگیری از فاجعه‌ای منطقه‌ای است.

مهدی بازرگان: صد روز از آغاز دولت دوم دونالد ترامپ گذشته و این مقطع حساس با اعلام دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم ایران و ایالات متحده در رم هم‌زمان شده است. تهران که با جدیت به دنبال احیای دیپلماسی هسته‌ای و رفع تحریم‌های اقتصادی است، هم‌زمان با گفت‌وگوهای اصلی با واشنگتن، مذاکراتی با تروئیکای اروپایی را در حاشیه پیش می‌برد. اظهارات متناقض مقامات آمریکایی، از خوش‌بینی به توافق تا تهدید به اقدام نظامی، همراه با نگرانی‌های فزاینده اسرائیل از حاشیه‌نشینی در این فرایند، فضای دیپلماتیک را پیچیده کرده است.

دور چهارم مذاکرات در رم و خطوط قرمز تهران

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، دیروز (چهارشنبه) در حاشیه جلسه هیئت دولت، در جمع خبرنگاران اعلام کرد دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در رم برگزار خواهد شد. او تأکید کرد که این مذاکرات که با میانجیگری عمان پیش می‌رود، پس از دیدارهای اولیه در مسقط و گفت‌وگوهای ایران با روسیه و چین برنامه‌ریزی شده است. عراقچی با اشاره به عدم تمایل ایران به مذاکرات فرسایشی، اظهار کرد: «زمان‌بندی مشخصی تعیین نکرده‌ایم، اما طبیعتاً ما اصلاً مایل به مذاکرات فرسایشی و دنبال وقت تلف‌کردن نیستیم و البته احساس ما این است که طرف مقابل هم همین انگیزه را دارد».

وزیر خارجه کشورومان، خطوط قرمز ایران را از جمله حفظ غنی‌سازی زیر ۲۰ درصد برای مقاصد صلح‌آمیز، روشن دانست و تصریح کرد: «خط قرمزهای ایران کاملاً روشن و به طرف آمریکایی نیز اعلام شده است». او نقش کلیدی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستی آزمایی هرگونه توافقی احتمالی را برجسته کرد و افزود: «هر توافقی انجام شود، علی‌القاعده راستی‌آزمایی مربوط به مسائل هسته‌ای آن وظیفه‌ای است که می‌تواند برعهده آژانس انرژی اتمی قرار گیرد». او رفع تحریم‌ها از جمله آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران را شرط اصلی هر توافق دانست و اظهار کرد: «پول‌های بلوکه‌شده

بخشی از تحریمی است که باید برداشته شود». عراقچی به تحریم‌های اخیر آمریکا واکنش نشان داد و آنها را «پیام منفی» خواند که جدیت واشنگتن را زیر سؤال می‌برد. او تأکید کرد: «این امر مسلماً پیام منفی دارد. اینکه در جریان مذاکرات، طرف‌های مقابل اقدامات تحریک‌آمیز را انجام دهند، می‌تواند جدیت آنان را زیر سؤال ببرد». دیپلمات ارشد کشورمان با اشاره به تأثیر لابی‌های قدرتمند در آمریکا، از جمله لابی حامی اسرائیل، افزود: «ما در جریان هستیم که دیدگاه‌های مختلفی در آمریکا وجود دارد و لابی‌های مختلفی در آنجا عمل می‌کنند». مسئول دیپلماسی ایران همچنین مذاکرات را «در حال پیشرفت» توصیف کرد و از دستیابی به «درک بهتر در مورد مجموعه‌ای از اصول و اهداف» با مذاکره‌کننده آمریکایی خبر داد.

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر اختلاف‌ها بر مذاکرات اظهار کرد: «هر مذاکره‌ای براساس اختلافات صورت می‌گیرد؛ اگر اختلافی وجود نداشته باشد که مذاکره انجام نمی‌شود». این اظهارات نشان‌دهنده رویکرد واقع‌گرایانه ایران به مواجهه با پیچیدگی‌های دیپلماتیک است. او همچنین با تأکید بر جدیت ایران در مذاکرات، گفت: تهران به دنبال توافقی است که حقوق و منافع ملی را حفظ کند.

مذاکرات با اروپا و تلاش برای حفظ کانال‌های دیپلماتیک

در کنار آنچه از زبان عراقچی درباره دور چهارم مذاکرات با آمریکایی‌ها عنوان شد، او خبر داد که ایران پیش از مذاکرات رم، روز جمعه با مدیران سیاسی تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) دیدار خواهد کرد. وزیر امور خارجه با اشاره به کم‌رنگ‌شدن نقش اروپا به دلیل سیاست‌های نادرست گذشته، اظهار کرد: «سه کشور اروپایی به نظر من به خاطر سیاست‌های غلطی که اتخاذ کردند، در حال حاضر نقش‌شان کم‌رنگ‌تر شده است». بااین‌حال، او تأکید کرد که ایران به ادامه گفت‌وگو با اروپا علاقه‌مند است و یادآور شد: «ما مایل به این قضیه نیستیم و برای همین هم دور بعدی مذاکرات را آمادگی داریم با آنها بر رم برگزار کنیم».

سکان‌دار سیاست خارجی کشور افزود: «علاقه‌مندیم این موضوع در یک فهم و درک جهانی حل‌وفصل شود. ما مذاکرات خود را با اروپا ادامه می‌دهیم، اما مذاکرات اصلی اکنون با آمریکا در جریان است». این اظهارات نشان‌دهنده استراتژی ایران برای حفظ کانال‌های دیپلماتیک با اروپا، به‌ویژه در آستانه انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در اکتبر ۲۰۲۵ است. هدف ایران از این دیدارها، ارزیابی مواضع اروپا درباره تحریم‌های سازمان ملل و جلب حمایت آنها برای جلوگیری از بازگشت محدودیت‌های بین‌المللی است. این در حالی است که اظهارات ژان نوبل بارو، وزیر خارجه فرانسه، در ۲۸ آوریل ۲۰۲۵ مبنی بر اینکه «ایران در آستانه توسعه سلاح هسته‌ای است»، واکنش تند ایران را برانگیخت. در مقابل، امیرسعید ایرانی، نماینده ایران در سازمان ملل، در نامه‌ای به رئیس دوره‌ای شورای امنیت و آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل، این ادعاها را «کاملاً بی‌اساس» و «غیرمسئولانه» خواند. ایرانی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران هرگز به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده و دکتین دفاعی خود را تغییر نداده است». او افزود: «ایران به طور قاطعانه تمامی سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای را رد می‌کند».

نماینده ایران در سازمان ملل به نقض تعهدات اروپا در برجام اشاره و خاطرنشان کرد: «برهم‌خوردن این توافق نه به دلیل اقدامات ایران، بلکه در نتیجه خروج غیرقانونی و بی‌ملاحظه ایالات متحده آمریکا و نیز ناتوانی تروئیکای اروپایی در عمل به تعهدات اقتصادی خود رخ داد». ایرانی تهدید فرانسه به فعال‌سازی مکانیسم ماشه را نقض اصول حقوق بین‌الملل دانست و اظهار کرد: «تهدید آشکار وزیر امور خارجه فرانسه به اعمال مجدد تحریم‌هایی که اثرات ویرانگری بر اقتصاد ایران خواهد داشت، نمونه‌ای آشکار از اعمال زور سیاسی و اقتصادی است». این دیپلمات ارشد کشورمان افزود: «اگر فرانسه و شرکای آن واقعاً به دنبال راه‌حلی دیپلماتیک هستند، باید دست از تهدید برداشته و به حقوق حاکمیتی کشورها تحت حقوق بین‌الملل احترام بگذارند».

مواضع دولت دوم دونالد ترامپ: تناقض و فشارهای داخلی

دولت دوم دونالد ترامپ که از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ فعالیت خود را آغاز کرده، مواضع متناقضی در قبال مذاکرات با ایران اتخاذ کرده است. استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در غرب آسیا، در مصاحبه‌ای با برنامه رادیویی WABC، مذاکرات با عراقچی را «مهم و بزرگ» توصیف کرد. او گفت: «احساسم این بود که من مسئول و امانت‌دار هستم و در حال انجام کاری بزرگ‌تر از خودم، مجدداً به نمایندگی از دولت آمریکا و رئیس‌جمهور دونالد ترامپ هستم تا چیزی را که می‌خواهیم، به دست آوریم». نماینده ترامپ در مذاکرات با انتقاد از برجام، آن را «توافقی ناقص و یک‌طرفه» خواند و افزود: «در دنیا تجارت، گزینه‌های یک‌طرفه، منطقی و عادلانه نیست. برجام توافقی به نفع ایرانی‌ها بود و این، چیزی است که باید اصلاح و جبران شود». با این حال، ویتکاف پس از دیدار با عراقچی در عمان اظهار کرد که محدودکردن سطح غنی‌سازی و جلوگیری از تسلیحاتی‌شدن برنامه هسته‌ای ایران کافی خواهد بود. او گفت: «تأیید سطح غنی‌سازی و جلوگیری از تسلیحاتی‌شدن کافی خواهد بود»؛ اما توییت بعدی او این موضع را تغییر داد و خواستار حذف کامل غنی‌سازی و برنامه تسلیحاتی ایران شد. این تناقض نشان‌دهنده نبود انسجام در موضع‌گیری‌های تیم مذاکره‌کننده دونالد ترامپ است و به گفته عراقچی، تحت تأثیر لابی‌های داخلی، به‌ویژه حامیان اسرائیل، قرار دارد.

البته به موازات ادبیات دیپلماتیک ویتکاف، مایک والتز، مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ، موضع سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کرده و خواستار برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران شده است. او در ۲۹ آوریل ۲۰۲۵ در گفت‌وگویی اظهار کرد: «همه گزینه‌ها روی میز است. ایران نمی‌تواند یک سلاح اتمی داشته باشد و رئیس‌جمهور بارها این موضوع را تکرار کرده و مطلقاً دراین‌باره جدی است». والتز بیش‌تر نیز از «گزینه‌های روی میز» درباره ایران سخن گفته بود که نشان‌دهنده تمایل او به رویکردی تهاجمی‌تر است. این

صدورگی دولت ترامپ و دور چهارم مذاکرات با ایران

صدای پای توافق در راهروهای رم



موضع در تضاد با اظهارات ویتکاف قرار دارد و به گفته عراقچی، تحریم‌های جدید آمریکا نشانانه‌ای از تأثیر لابی‌های حامی اسرائیل است که جدیت مذاکرات را تضعیف می‌کند. دونالد ترامپ شخصاً در ۲۹ آوریل ۲۰۲۵، در هویامپا ریاست‌جمهوری اعلام کرد: «توافق با ایران خیلی خوب دارد پیش می‌رود». این اظهارات که نشان‌دهنده اشتیاق او به دستیابی به دستاورد دیپلماتیک است، با انتقادهای داخلی مواجه شد. مایک پنس، معاون سابق رئیس‌جمهور در دوره اول دونالد ترامپ، در یادداشتی مذاکرات را به «توافق هسته‌ای شکست‌خورده رئیس‌جمهور اوباما در سال ۲۰۱۵» تشبیه کرد و خواستار نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران شد. پنس نوشت: «برنامه هسته‌ای ایران باید به نفع صلح و متحدان، اسرائیل، به طور قابل تأیید برچیده یا نابود شود». او پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ را «یک بازگشت سیاسی بی‌نظیر در تاریخ مدرن آمریکا» خواند، اما انتقادش از مذاکرات نشان‌دهنده شکاف عمیق در اردوگاه جمهوری خواهان است.

قهرور تشریه پلیتیکو در گزارشی به قلم ایو دالدر نوشت که در صد روز اول دولت دوم دونالد ترامپ، به دلیل فقدان دستاوردهای سیاست خارجی در جنگ اوکرین، غزه، یا دیگر تنش‌ها، کاخ سفید به توافق با ایران تمایل زیادی دارد. این گزارش تأکید کرد که دونالد ترامپ به دنبال توافقی است که به عنوان دستاورد برجسته سیاست خارجی او مطرح شود. با این حال، فشارهای لابی حامی اسرائیل، که خواستار توقف هرگونه توافق با ایران است، مذاکرات را دشوار کرده است. به گفته عراقچی، «دیدگاه‌های مختلفی در آمریکا وجود دارد و لابی‌های مختلفی در آنجا عمل می‌کنند» که نشان‌دهنده تأثیر این فشارها بر تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید است.

دنیس راس، مشاور سابق سه رئیس‌جمهور آمریکا، در مقاله‌ای در نشریه هیل، برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران را غیرممکن دانست و پیشنهاد کرد که دونالد ترامپ به دنبال تحدید زیرساخت‌های هسته‌ای ایران باشد. راس نوشت: «بر چریدن برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران غیرممکن است. دونالد ترامپ باید به دنبال تحدید زیرساخت هسته‌ای ایران باشد». او پیشنهاد محدودکردن ایران به هزار سانتریفیوژ IR-۱ و IR-۲، غنی‌سازی زیر پنج درصد، و راستی‌آزمایی سرزده را مطرح کرد، اما تهدید به اقدام نظامی را نیز مشروع دانست. راس افزود: «تهدیدها اگر معتبر باشند، می‌توانند مؤثر باشند و کسانی که ما آنها را تهدید می‌کنیم از استفاده ما از زور می‌ترسند». او ادعا کرد که

تحریم‌های دوران اوباما ایران را به مذاکره واداشت و اکنون نیز فشارهای دونالد ترامپ مذاکرات را پیش می‌برد. راس با انتقاد از نبود هدف مشخص در مذاکرات دونالد ترامپ، گفت: «به نظر می‌رسد که دولت هدف مشخصی در مذاکرات ندارد». او افزود: «مایک والتز، مشاور امنیت ملی، با را فراتر گذاشت و گفت که ایرانی‌ها باید کل برنامه هسته‌ای خود را کاملاً برچینند». عباس عراقچی اعلام کرد که «اگر چنین چیزی روی میز باشد، هیچ مذاکره‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد». راس تأکید کرد اظهارات ویتکاف پس از دیدار عمان، مبنی بر کافی بودن محدودیت غنی‌سازی، با موضع والتز فاصله دارد و این تناقض مذاکرات را پیچیده کرده است. او گفت: «به نظر نمی‌رسد این بیانیه و توییت ویتکاف در دومین دیدار هیئت ایرانی و آمریکایی در رم لحاظ شده باشد و عراقچی پس از آن گفت که مذاکرات در حال پیشرفت است».

حاشیه‌نشینی اسرائیل و نگرانی‌های استراتژیک

در آستانه دور چهارم مذاکرات، اسرائیل از حاشیه‌نشینی در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا ابراز نگرانی کرده است. کماینکه سازمان رادیو و تلویزیون اسرائیل گزارش داد که نهادهای امنیتی این رژیم احتمال توافق بین واشگتن و تهران را بالا می‌دانند که می‌تواند منافع اسرائیل را تهدید کند. هارتز ص هم در مطلبی معترف بود که اسرائیل «خارج از اتاق مذاکرات» نگه داشته شده و بنیامین نتانیا‌هو در برابر سیاست خارجی مستقل دونالد ترامپ دست‌بسته مانده است. این روزنامه نوشت: «اسرائیل بیرون از اتاق مذاکرات ایران و آمریکا نگه داشته شده؛ چرا نتانیا‌هو در این ماجرا دست‌بسته مانده‌». هارتز افزود دونالد ترامپ نقشه‌ای برای صلح خاورمیانه دارد که شامل توافق با ایران، حل مسئله غزه و جذب سرمایه‌گذاری سعودی است. این روزنامه گزارش داد دو موضوع اصلی در مذاکرات، یعنی غنی‌سازی اورانیوم و برنامه موشکی ایران، نگرانی‌های اسرائیل را تشدید کرده‌اند. آمریکا خواستار محدودکردن غنی‌سازی به ۳.۶۷ درصد است، درحالی‌که ایران به حفظ غنی‌سازی ۲۰ درصد برای مقاصد صلح‌آمیز تأکید دارد. هارتز نوشت: «ایران می‌گوید این کار را برای صادرات اورانیوم به دیگر کشورها انجام می‌دهد. غرب معتقد است راه‌حلی نظارتی برای این مسئله یافت خواهد شد». برنامه موشکی ایران، که تهران آن را غیرقابل مذاکره می‌داند، برای اسرائیل تهدیدی بالقوه است. هارتز گزارش داد: «ایران حاضر به مذاکره درباره آن نیست و آن را بی‌ربط به مسئله هسته‌ای می‌داند. اما این موضع برای آمریکا غیرقابل قبول است، زیرا احتمال تسلیح موشک‌ها به کلا‌هک هسته‌ای وجود دارد». این روزنامه عبری افزود فضای گفت‌وگو مثبت گزارش شده، اما اختلاف بر سر موشک‌ها مذاکرات را دشوار کرده است.

در داخل اسرائیل، بزلال اسموتریچ، وزیر دارایی، و دیگر چهره‌های راست‌گرا، مذاکرات را مانعی برای سیاست‌های تهاجمی علیه ایران و حماس می‌دانند. اسموتریچ عملاً اسرای اسرائیلی در غزه را «هدفی ثانویه» خواند و تصریح کرد: «اگر آنها در غزه بمیرند، برای او آسایش است، نه فاجعه». او اولویت را به اشغال غزه و بازسازی شهرک‌های اسرائیلی داده است. هارتز گزارش داد ران درمر، وزیر امور استراتژیک، روش دیپلماتیک غیرمعمولی دارد مبتنی بر «تصیحت‌کردن آمریکایی‌ها»، اما این روش در دولت دونالد ترامپ کارایی ندارد. یک دیپلمات غربی خبر داد: «درمر روش دیپلماتیکی خاص و بی‌سابقه‌ای دارد؛ نه دیپلماسی، نه ایجاد ائتلاف با کشورهایی که از تو حمایت می‌کنند؛ فقط تصحیت‌کردن آمریکایی‌ها در درباره اینکه چه باید بکنند».



با حمایت شما

میشه بشه

موه‌اش مثل روز اول

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

شماره کارت بانک اقتصاد نوین
۶۲۷۴۰۱۲۱۹۰۵۰۶۷۴۶۵



یک اسکن تا سلامتی

